



Joint Work or Exclusive Work? Intellectual Property Rights of Academic Theses and their Research Outputs in Iran with a Comparative Study

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/clr.2025.115529.1000

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Mahin Sobhani 
ORCID: <http://00000000258716242>

² Seyed Morteza Naeemi 
ORCID: <http://00000000344020284>

Affiliation:

¹ Assistant Professor in International Law, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran
Assistant Professir in Private Law, Law Department, Islamic Azad University, Bandar Anzali, Iran

Correspondence:*

Email: mnaeemi@iaau.ac.ir

Article History:

Received: 20.09.2025

Received in revised form: 18.10.2025

Accepted: 20.10.2025

Abstract

The intellectual property rights of dissertations in the Iranian educational system face conceptual, fundamental and philosophical challenges. It can be inferred from the content of the regulations of the Ministry of Science and Islamic Azad University that dissertation is considered a joint work between the professor and the student, commissioned by the university. Nevertheless, the application of the concepts of "joint work" and "commissioned work" to academic dissertation is faced with serious doubts and the legal framework governing research and the papers derived from it is subject to criticism. This text, using a descriptive and analytical method, with reference to the philosophy and principles of intellectual property rights, seeks to strengthen several interrelated claims with a look at the rules of higher education systems in some countries and the opinions of the Administrative Justice Court. Firstly, the intellectual property rights of dissertations generally belong to the student, unless there are exceptional cases. Secondly, the intellectual property rights of a paper derived from the work also belong to the student, and the term derived paper is distinct from a paper co-authored by the professor and the student. Thirdly, the intellectual property rights of the work belong to an institution or university when the student has been funded by that institution to carry out their research project, or if the student has carried out a significant portion of their research work using the resources and facilities of that institution.

Keywords: IP Rights, Dissertation, Joint Work, Derived Paper





اثر مشترک یا انحصاری؟

حق مالکیت فکری در پارساهای دانشگاهی ایران و دستاوردهای پژوهشی ناشی از آن با نگاهی تطبیقی

مهین سبحانی^۱، سید مرتضی نعیمی^{۲*}

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲. گروه حقوق، واحد بندرانزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرانزلی، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

چکیده

حق مالکیت فکری پارساهای دانشگاهی در نظام آموزشی ایران با چالش‌های مفهومی، مبنایی و فلسفی مواجه است. از مجموع مفاد مقررات وزارت علوم و دانشگاه آزاد اسلامی این‌گونه استنباط می‌گردد که پارساها اثری مشترک میان استاد و دانشجو قلمداد شده‌اند که به سفارش دانشگاه انجام می‌شود. با وجود این، انطباق مفاهیم «اثر مشترک» و «اثر سفارشی» بر پارساها با تردید جدی مواجه است و رژیم حقوقی حاکم بر پارساها و مقالات مستخرج از آن قابل انتقاد است. نوشته حاضر، با روش توصیفی و تحلیلی، با استناد به فلسفه و مبانی حقوق مالکیت فکری، با نگاهی به قواعد نظام‌های آموزش عالی برخی از کشورها و نیز آراء دیوان عدالت اداری، در پی تقویت چند مدعای مرتبط به هم است: اول اینکه حق

E-mail: mnacemi@iau.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



مالکیت فکری پارساهای دانشگاهی، علی‌الاصول، متعلق به دانشجو است مگر در موارد استثنایی. دوم اینکه حق مالکیت فکری مقاله مستخرج از پارسا نیز متعلق به دانشجو است و مفهوم مقاله مستخرج، متمایز از مقاله مشترک استاد و دانشجو است. سوم اینکه حق مالکیت فکری پارسا زمانی متعلق به یک مؤسسه یا دانشگاه است که دانشجو از سوی نهادهای مزبور برای انجام پروژه تحقیقاتی خود، تأمین مالی شده و یا اینکه دانشجو بخش عمده کار تحقیقی خود را با بهره‌گیری از منابع و امکانات آن نهاد انجام داده باشد.

واژگان کلیدی: حق مالکیت فکری، پارسای دانشگاهی، اثر مشترک، مقاله مستخرج

۱. مقدمه

مطابق با بند ۱.۱ دست‌نامه مالکیت فکری وایپو^۱، حقوق مالکیت فکری، در معنای موسع، حق‌های قانونی ناشی از فعالیت فکری در حوزه‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری است. در لسان حقوق‌دانان ایرانی، حقوق فکری حقوقی است که موضوع آن فعالیت فکری و معنوی دارنده آن است (صفایی و حسینی، ۱۴۰۲: ۱۹۶) و به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت، فکر و ابتکار انسان را می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۴). در تعریفی جامع‌تر، می‌توان گفت که «مالکیت فکری عبارت است از حق ناشی از پدیدآوردن یک آفریده فکری یا شیء غیرمادی مستقل دیگر که به موجب آن، شخصی که خودش یا از طریق به‌کارگیری دیگری موجب خلق آن شده یا شخصی که این حق به او منتقل شده، می‌تواند به طور انحصاری از بالاترین حقوق و اختیارات قانونی ممکن نسبت به آن بهره‌مند شود» (خدمتگزار، ۱۳۹۰: ۱۵۸؛ برای بحث در تعاریف و رویکرد اتحادیه اروپا راجع به تعریف حقوق معنوی، نک: محمدکریمی و محمدی، ۱۴۰۴: ۱۵۲-۱۵۴).^۲ مطابق با بند ۱.۴ سند دست‌نامه مالکیت فکری وایپو، آثار ادبی، هنری و علمی، متعلق

1. WIPO Intellectual Property Handbook, available at: <https://tind.wipo.int/record/28661?v=pdf>

۲. به طور کلی، نظریه غالب، به ویژه در نظام حقوقی کامن‌لا، این است که مالکیت فکری را مجموعه‌ای از حقوق تلقی می‌کنند که به صاحب اثر اعطا می‌گردد و البته با وجود شباهت‌هایی چند، تفاوت‌های معناداری با حق مالکیت مرسوم در اشیای مادی دارد—



به شاخه کپی‌رایت (حق مؤلف/حق مالکیت ادبی و هنری) مالکیت فکری هستند. مطابق با تعریف، مالکیت ادبی و هنری، حق پدیدآورنده آثار ادبی، هنری و علمی، در نامیده‌شدن اثر به نام او و نیز حق انحصاری وی در تکثیر، تولید، عرضه، اجرا و بهره‌برداری از اثر خود اوست (میرحسینی، ۱۳۹۶: ۲۴۳).

موضوع حقوق مالکیت فکری در مورد پایان‌نامه‌ها و رساله‌های (پارساهای) دانشگاهی، به عنوان آثاری علمی نیز مطرح می‌شود. پارساهای، قاعداً، به مثابه سندی علمی برای ارزیابی توان پژوهشی دانشجویان و احراز شایستگی آن‌ها در اخذ مدارک کارشناسی ارشد یا دکتری محسوب می‌شوند. با وجود این، در فرآیند انجام و نگارش پارساهای، استادان راهنما و مشاور، غالباً، نقشی انکارناپذیر در انتخاب عنوان، تعریف موضوع و چالش تحقیق، ارجاع دانشجوی به منابع اصلی، هدایت روش‌شناسی و نظارت علمی و... ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها نیز با هدف کسب اعتبار و جایگاه در میان دانشگاه‌های برتر ایران و دنیا، تلاش می‌کنند از طریق قوانین و بخش‌نامه‌های داخلی و نیز انعقاد قرارداد و یا اخذ تعهدنامه از دانشجوی، مالکیت فکری پارساهای را از آن خود نمایند. بر همین اساس، در آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های متعدد وزارت علوم و دانشگاه آزاد اسلامی، مرتباً، بر لزوم درج نام اساتید راهنما و مشاور در پارسا، لزوم درج وابستگی سازمانی دانشجوی و استاد در مقاله مستخرج از پارسا و لزوم اخذ مجوز از دانشگاه در چاپ پارسا به صورت کتاب، مسئولیت استاد راهنما در قبال محتوای پارسا و مواردی نظیر آن اشاره شده است. دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۳ ابلاغی ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ (زین پس: دستورالعمل) در بندهای ۱۵، ۱۶، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۴۵ و ۴۶ به مصادیق متنوعی از تخلفات پژوهشی اشاره نموده است که ارتباط با موضوع موردبحث دارد. ساختار نهاده شده‌ی انتشار، دفاع و داوری در ایران به گونه‌ای تنظیم شده است که سهم اساتید و دانشگاه در خلق اثر برجسته شود.

با این حال، وضعیت مالکیت فکری پارساهای در نظام حقوقی ایران محل مناقشه است و به

→(Breaky, 2013: 137-160; Balganes, 2013: 161-182). تحلیل مالکیت بر مبنای دسته‌ای از حقوق، بر نظریه «وسلی هوفلد» استوار است که در حقوق مالکیت اشیاء مادی نیز جایگاه درخوری دارد (نک: بادی‌نی و شیخ‌سیاه، ۱۳۸۹: ۱۶ به بعد).



نظر می‌رسد که در تدوین دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌های وزارت علوم و دانشگاه آزاد، کمتر به منافع خالق واقعی اثر، آنچنان که مبانی فلسفی و مفهومی حقوق مالکیت فکری نشان می‌دهد، توجه شده است و شکافی عمیق میان آنچه که در قواعد آموزش عالی منعکس شده و مبانی حقوق مالکیت فکری، رویه سایر کشورها و دیوان عدالت اداری به چشم می‌خورد.

در راستای بررسی و ارزیابی چالش فوق، پرسش اصلی مقاله این است که حق مالکیت فکری پارسا و مقالات مستخرج از آن، متعلق به کیست و جایگاه اساتید راهنما و مشاور و نیز مؤسسه و دانشگاه محل تحصیل یا حامی مالی پروژه تحقیقاتی در این حق مالکیت کجاست؟ به عبارت دیگر، سؤال این است که مؤلف پارسا دانشجوی محسوب می‌شود و یا تیم هدایت‌کننده دانشگاهی، اعم از استاد راهنما و مشاور، هم در زمره مؤلفان این اثر قرار می‌گیرند؟ دانشگاهی که به موجب قوانین و آیین‌نامه‌های حاکم، دانشجوی را ملزم به نوشتن پارسا به عنوان پیش‌شرط فارغ-التحصیلی نموده است، چه حقوقی نسبت به پارسای دفاع‌شده دارد؟ اهمیت پرداختن به این پرسش‌ها، علاوه بر جنبه نظری، در عمل، از یک سو می‌تواند به سلامت جایگاه استاد و دانشجوی در نظام آموزش عالی یاری رساند و همچنین در حل برخی مسائل مالکیت فکری، در مواقعی چون قطع همکاری استاد با دانشگاه، اخراج یا انصراف دانشجوی از تحصیل، نحوه انتشار مقاله‌های علمی مستخرج از رساله و احراز مالکیت فکری پیشنهاد نیز یاری‌رسان باشد.

از منظر سابقه تحقیق، بیگزاده و رسولی (۱۳۹۵)، با بررسی متون قانونی ایران و دو کشور آمریکا و کانادا، مالکیت فکری و مادی پارساها را بررسی نموده‌اند. یکی از نتایج نوشتار مزبور آن است که مالکیت فکری پارساها متعلق به دانشجوی است. مقاله حاضر، هرچند در این نتیجه-گیری همسو با آن تحقیق است ولی از چند منظر، متفاوت از نوشتار سابق است: بخش عمده مطالب و کلیه استدلال‌های طرح‌شده در این نوشتار، ساختار و روش‌شناسی مقاله حاضر متفاوت از نوشته سابق است و مهم‌تر از همه اینکه برخی از نتایج مقاله حاضر، از جمله در مورد دستاوردهای پژوهشی پارساها، در مقاله مشارالیه مورد بحث نبوده است. همچنین صادقی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی مالکیت آثار دانشگاهی با مطالعه تطبیقی در دو نظام حقوقی آمریکا و استرالیا پرداخته‌اند و با هدف تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت، در صورت وجود قرارداد یا



استفاده گسترده از منابع دانشگاهی و یا پرداخت دستمزد یا در آثار سفارشی، از مالکیت دانشگاه بر آثار دانشگاهی دفاع نموده‌اند. پژوهش حاضر، با بررسی و نقد مقررات وزارت علوم و دانشگاه آزاد، بر مالکیت فکری پارسا و مقاله مستخرج از آن تمرکز دارد و بنابراین، تا حد زیادی، از حیث موضوع و محتوا متمایز از مقاله مورد اشاره است، هرچند در یکی از مدعیات، با آن همسو است. شاکری (۱۳۹۸) ضمن بررسی مفهوم و شاخص‌های سرقت علمی در آثار دانشگاهی، آن را موضوعی متمایز، اما در بخشی هم‌پوشان با نقض حقوق مالکیت فکری دانسته است. همچنین در بخشی از مقاله بیان شده که «اساتید راهنما و مشاور به شرط اثبات نقش مهم در تهیه و تدوین پایان‌نامه از حق مؤلف در اثر برخوردارند» (همان، ص ۶۶۴). با وجود چنین شباهتی، نوشتار حاضر از حیث مسئله و پرسش تحقیق متفاوت از مقاله مزبور است.

در پاسخ به پرسش‌های طرح‌شده، با روش توصیفی-تحلیلی، این نوشتار از چند مدعای مرتبط به هم حمایت می‌کند: اول اینکه حق مالکیت فکری پارساهای دانشگاهی، علی‌الاصول، متعلق به دانشجو است. با وجود این، تحت شرایطی، به ویژه در حوزه تحقیقات تجربی و آزمایشگاهی، ممکن است حق مالکیت فکری، مشترکاً، متعلق به دانشجو و استاد باشد. دوم اینکه حق مالکیت فکری مقاله مستخرج از پارسا نیز متعلق به دانشجو است و لزوم درج نام اساتید در مقاله خلاف مبانی حقوق مالکیت فکری است. در عین حال مقاله مستخرج، متمایز از مقاله مشترک استاد و دانشجو است. سوم اینکه حق مالکیت فکری پارسا، به مثابه اثری سفارشی، زمانی متعلق به یک دانشگاه است که دانشجو از سوی نهاد مزبور برای انجام پروژه تحقیقاتی خود تأمین مالی شده و یا اینکه بخش عمده کار تحقیقی خود را با بهره‌گیری از منابع و امکانات آن نهاد انجام داده باشد.

در نوشته حاضر، در ابتدا به وضعیت جاری حق مالکیت فکری پارساها و مقالات مستخرج از آن، در مقررات وزارت علوم و دانشگاه آزاد پرداخته می‌شود و سپس در ارزیابی دیدگاه جاری و تقویت مدعیات، در گفتارهای سوم، چهارم و پنجم، به ترتیب، استدلال‌های بر پایه فلسفه حقوق مالکیت فکری، مبانی و تعاریف موجود در این حوزه، رویکردهای نظام‌های تطبیقی و آراء دیوان عدالت اداری ارائه خواهد شد.



۲. وضعیت مالکیت فکری پارساها و مقالات مستخرج از آن در قوانین جاری نظام آموزشی ایران

مطابق بند ۱۵ مصادیق تخلفات پژوهشی در دستورالعمل، حذف مؤلف واقعی از فهرست نویسندگان تخلف محسوب شده است. در همین بند، مؤلف واقعی، فرد یا افرادی قلمداد شده‌اند که «نقش به‌سزایی در جنبه‌های علمی پژوهش داشته‌اند». در ادامه، کلیه کسانی که در انجام پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها و نظیر آن مشارکت علمی داشته‌اند، مؤلف محسوب و اثری که در انجام آن و جمع‌آوری داده‌ها و... چند نفر شرکت دارند، نوشتار مشارکتی نامیده شده است. مطابق با بند ۱۶ دستورالعمل، ترتیب اسامی نویسندگان یا همان مؤلفان، باید بر اساس سهم هریک در نگارش و مشارکت خلاقانه آن‌ها تعیین شود. با توجه به مبهم و موسع بودن معیارهایی که در این بندها آمده، می‌توان آن‌ها را به راحتی بر پارساها حمل نمود و آن را اثری مشارکتی دانست که حاصل همکاری دانشجو و اساتید است. به عبارت دیگر، می‌توان استدلال کرد که اساتید راهنما و مشاور، نقش به‌سزایی در جنبه علمی این پژوهش داشته‌اند و یا مشارکت آن‌ها خلاقانه بوده است. در بند ۴۱ عدم پاسخگویی استاد راهنما، به عنوان شخص مسئول، نسبت به محتوای پایان‌نامه (درستی / نادرستی) تخلف تلقی شده است. این ماده نیز مؤید مدعای فوق است.

به موجب بند ۳۵ دستورالعمل، «چاپ مقاله توسط دانشجو (پس از فارغ‌التحصیلی) به‌طوری‌که استاد(ان) راهنما و یا همکاران فعالیت علمی از مفاد آن مطلع نباشند» یکی از مصادیق تخلفات پژوهشی شمرده شده است. در بخش (ح) دستورالعمل با عنوان «عدم رعایت حقوق مالکیت معنوی و مسئولیت پژوهش انجام‌شده» و در بند ۴۰ عدم رعایت ترتیب درج اسامی در مقالات مستخرج از پایان‌نامه به ترتیب، اسم دانشجو، استادان راهنما و استادان مشاور، به منزله عدم رعایت حقوق مالکیت فکری این افراد اعلام گردیده است. این مقررات علاوه بر اینکه نشان‌دهنده حقوق مالکیت فکری اساتید راهنما و مشاور در مقاله است، با عنایت به اینکه مقاله موردنظر عنوان مقاله مستخرج از پارسا را یدک می‌کشد، حقوق مالکیت فکری اساتید در مورد پارسا را تأیید می‌کنند. مطابق با بند ۱۹ دستورالعمل، اظهار اطلاعات مربوط به بودجه، افراد و یا مؤسسات



حمایت‌کننده و مرتبط با پژوهش، و بر اساس بند ۲۰، اعلان نام مرکزی که پژوهش در آنجا انجام‌شده ضروری دانسته شده است. بند ۴۵ در کنار تیم هدایت‌کننده پایان‌نامه، دانشگاه را نیز به عنوان مالک حقوق مادی و معنوی معرفی نموده است و انتشار نتایج پایان‌نامه‌ها توسط دانشجویان و اعضای هیأت علمی در قالب کتاب، مقاله و... بدون هماهنگی و اخذ مجوز از معاونت پژوهشی دانشگاه، به عنوان مالک حقوق مادی و معنوی این دست پژوهش‌ها، را به منزله عدم رعایت حقوق مالکیت فکری دانسته است. این احکام نیز می‌تواند به این نتیجه‌گیری منجر شود که از منظر دستورالعمل، پارسا اثری سفارشی محسوب می‌شود.

در دانشگاه آزاد اسلامی، بند ۸ دستورالعمل اجرای پیشگیری و بررسی تخلفات علمی - پژوهشی دانشگاه مورخ ۱۴۰۰/۲/۷، مصادیق مذکور در دستورالعمل وزارت علوم را به عنوان مصادیق تخلفات پژوهشی برای اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد تلقی کرده است. همچنین، در بخش چهارم از بخش‌نامه جامع پژوهشی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های غیرپزشکی دانشگاه آزاد مصوب ۱۴۰۳/۵/۱۰، به صراحت اشاره شده است که در مقالات مستخرج از رساله، نفر اول دانشجو، نفر دوم استاد راهنما و نفر سوم استاد مشاور است. نکته جالب این است که در تبصره ۷ بند ۳-۱ همین بخش‌نامه قید شده است که اگر بعد از تصویب پیشنهاد، به هر دلیلی ادامه همکاری بین استاد راهنما و دانشجو مقدور نبود، برای ادامه فعالیت پژوهشی دانشجو با استاد راهنمای جدید در مورد موضوع تصویب‌شده، رضایت استاد راهنمای قبلی لازم است، در غیر این صورت دانشجو باید موضوعی جدید ارائه دهد. در ابلاغیه الگوی آدرس‌دهی و درج وابستگی سازمانی در مقالات دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۹ بر لزوم ذکر نام دانشگاه آزاد محل تحصیل دانشجو در مقالات مستخرج از پارسا تأکید شده است. بدین ترتیب، مشخص است که سیاست دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه حقوق مالکیت فکری پارساها و مقالات مستخرج، همان سیاست وزارت علوم است.



۳. فلسفه و مبانی مالکیت فکری و حق مالکیت فکری پارسا و دستاوردهای پژوهشی آن

در این مبحث، در ابتدا به فلسفه و سپس به مبانی حقوق مالکیت فکری و ربط و نسبت این دو با حقوق مالکیت فکری پارساها خواهیم پرداخت.

۳-۱) فلسفه مالکیت فکری و حق مالکیت فکری پارسا و دستاوردهای پژوهشی آن
به طور کلی حقوق مالکیت فکری، تجلی قانونی سه ایده فلسفی و مبنایی است که معمولاً برای موجه‌سازی این حق‌ها مطرح می‌شود:

الف) نظریه اول، نظریه شخصیت‌بنیاد^۲ است. نظریه‌پردازان شخصیت استدلال می‌کنند که مالکیت فکری، امتداد شخصیت فردی است؛ اینکه افراد نسبت به استعدادها، احساسات، ویژگی‌های شخصیتی و تجربیات خود، ادعاهای اخلاقی دارند. کنترل بر اشیاء فیزیکی و فکری برای خودشکوفایی ضروری است، به این معنا که از طریق گسترش خودمان به فراتر از ذهنمان و درآمیختن این خود با اشیاء مادی و ناملموس، هم خود را تعریف می‌کنیم و هم کنترل اهداف و پروژه‌هایمان را در دست می‌گیریم (Moore & Himma, 2022؛ خدمتگزار، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۱۱۸). این نشان می‌دهد که ارتباط بین خالق و اثرش به قدری عمیق است که بخشی از هویت او می‌شود (Moore & Himma, 2022).

ب) نظریه دوم، نظریه اقتصادی است. «حقوق و اقتصاد» در این زمینه، رویکردی انگیزه‌محور و نتیجه‌گرایانه دارد. طرفداران این رویکرد، معمولاً استدلال می‌کنند که به دلیل ماهیت ناملموس حقوق مالکیت فکری، مشکلی ایجاد می‌شود که اقتصاددانان آن را «مسئله کالاهای عمومی» می‌نامند. تولید آثار فکری می‌تواند پرهزینه و زمان‌بر باشد و ممکن است به میزان قابل‌توجهی خلاقیت یا ابتکار نیاز داشته باشد. با این حال، هنگامی که این سرمایه‌گذاری «ذهنی» در قالبی مادی تجسم پیدا می‌کند، ممکن است نسبتاً ارزان و آسان قابل‌تکثیر باشد. گفته می‌شود که بدون



حقوق مالکیت فکری، چه چیزی مانع از آن خواهد شد که دیگران بدون متحمل شدن هزینه‌های اصلی، از این سرمایه فکری بهره‌برداری کرده یا به اصطلاح «سواری رایگان» بگیرند؟ در نتیجه، بر اساس این استدلال، تعبیه حقوق مالکیت فکری انگیزه‌ای مهم برای ایجاد سرمایه فکری جدید فراهم می‌کند (Landes & Posner, 1989: 326; Posner, 2005: 57-73) و نیز جعفری‌تبار، ۱۳۹۳: ۶۹ به بعد؛ خدمتگزار، ۱۳۹۰: ۱۱۸ به بعد).

ج) توجیه دیگر برای مالکیت فکری که ریشه در اندیشه حقوق طبیعی و دیدگاه‌های جان لاک دارد، با این فرض آغاز می‌کند که افراد حق دارند از ثمره کار خود بهره‌مند شوند. همچنین، این رویکرد فرض را بر وجود مباحثاتی می‌گذارد که وفور و فراوانی دارند. با ترکیب این دو فرض، اگر کسی زمینی بلامالک را تصاحب کند یا اختراعی انجام دهد و یا اثری ادبی خلق کند، مستحق حقوق مالکیت است. فعالیت‌هایی مانند کار یدی، تولید، خلق آثار فکری و... کارهایی داوطلبانه هستند که برای فرد نسبت به آنچه تولید کرده استحقاق ایجاد می‌کنند (Moore & Himma, 2022; Davis, 2012: 6; جعفری‌تبار، ۱۳۹۳: ۵۳ به بعد؛ خدمتگزار، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۱۲).

به نظر می‌رسد بر اساس هر کدام از این نظریه‌ها، حق مالکیت فکری پارساها و دستاوردهای پژوهشی آن به دانشجوی نویسنده پارسا تعلق می‌گیرد؛ اول اینکه اگر اثر علمی را امتداد شخصیت خالق اثر و یا نتیجه کار و تلاش او در نظر بگیریم، نباید برای کسانی که در خلق اثر، اعم از پارسا و مقاله، نقش مؤثری که آن‌ها را واجد استحقاق مالکیت کند نداشته‌اند، حق مالکیت قائل شد. از سوی دیگر، بر مبنای نظریه اقتصادی، اعطای حق مالکیت به اساتید و یا لزوم درج نام اساتید در دستاوردهای پژوهشی ناشی از پارسا، می‌تواند نوعی سواری مجانی تلقی گردد که منجر به دلسردی و بی‌انگیزگی دانشجوی برای درمیان‌گذاشتن حداکثر نیروی فکری‌اش شود. استدلال‌های ذکرشده، برای پارساها و مقالاتی که اساتید راهنما و مشاور نقش خاصی در آن ایفا نمی‌کنند و نقش کم‌رنگی در به ثمر رسیدن کار دارند، نافذ است. هرچند که اثبات این امر سخت است، لیکن در مقام ثبوت خدشه‌ای به استدلال وارد نیست. اما در مورد حقوق مالکیت فکری پارسا یا مقاله‌ای که نقش استاد به‌سزا است، چه باید کرد؟ در این مورد سخن خواهیم گفت.



۲-۳) مبانی مالکیت فکری و حق مالکیت فکری پارساها و دستاوردهای پژوهشی آن

بر اساس ماده ۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ با اصلاحات ۱۳۸۹ (زین پس قانون حمایت)، «اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است». مطابق با این ماده، چنانچه دو یا چند نفر در خلق اثر مشارکت داشته باشند، حقوق معنوی و مادی اثر متعلق به همه ی آنان است. از ماده ۶، شاید بتوان برای تأیید حق مالکیت فکری اساتید در مورد پارساها استفاده کرد:

اول اینکه مطابق با ماده ۴۳ آیین نامه یکپارچه مقررات آموزشی دوره های تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی مصوب ۱۴۰۲/۴/۲۵ (زین پس آیین نامه)، دانشجو موظف است مطابق با ضوابط دانشگاه تا قبل از شروع نیمسال سوم تحصیلی، استاد راهنما و موضوع رساله خود را (با نظر استاد راهنما) به تصویب گروه آموزشی برساند. این در حالی است که در بسیاری از نظام های دانشگاهی، پذیرش دانشجوی دکتری از طریق داوری و پذیرش پیشنهادی وی که با ابتکار خود متقاضی طرح شده است، صورت می پذیرد. به موجب تبصره یک ماده ۴۴ آیین نامه، رویکردها و سیاست های کلان برای جهت دهی به محورهای مطالعاتی و تحقیقاتی دانشجویان در انتخاب موضوع و نگارش رساله نیز از سوی معاونت پژوهشی دانشگاه و شورای دانشگاه صورت می پذیرد. همچنین اخیراً به موجب سامانه «نان»، پذیرش دانشجو بر اساس ایده ها و نیازهای تعریف شده استاد است که متقاضی از ابتدا پروپوزال خود را در راستای نیاز ثبت شده در سامانه و برای تبدیل شدن ایده به پدیده، محصول و ثروت ارایه می نماید که بعد از مصاحبه و داوری از سوی دانشگاه مقصد، درباره پذیرش یا عدم پذیرش دانشجو تصمیم گیری می شود.^۴ در این حالت، نظام آموزشی ایران در مقطع تحصیلات تکمیلی گرچه به شیوه پذیرش دانشجوی دکتری در دانشگاه های سایر کشورهای موضوع مطالعه نزدیک می شود، اما صاحب اصلی ایده تعریف شده در اینجا استاد است. دوم اینکه ممکن است گفته شود در فرآیند انجام پایان نامه، اساتید راهنما و مشاور نقش

4. <https://www.birjand.ac.ir/file/download/news/652a2dfe77118-.pdf>



محوری در مراحل مختلف ایفا می‌کنند. این نقش‌آفرینی شامل طرح ایده اولیه، انتخاب عنوان، تدوین پیش‌نویس، تعیین چهارچوب نظری، پرسش‌ها و فرضیه‌ها، انتخاب روش‌شناسی و معرفی منابع است. همچنین، نظارت بر محتوا و ساختار پایان‌نامه بر عهده آنان می‌باشد. این نقش در تحقیقات تجربی و آزمایشگاهی پررنگ‌تر است؛ به‌گونه‌ای که ایده‌پردازی، طراحی و اجرای آزمایش‌ها و حتی تحلیل داده‌ها عمدتاً توسط یا به کمک استاد انجام می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از پارساها بخشی از پروژه‌های بزرگ‌تر هستند که بدون همکاری سایر اعضای پروژه قابل انجام نیستند. بنابراین، اگرچه نگارش پارسا به عهده دانشجو است، نقش علمی و مشارکت خلاقانه اساتید به حدی است که می‌توان پارسا را اثری مشترک تلقی کرد که مشمول ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان می‌شود.

با وجود این، استدلال‌های فوق خالی از ایراد نیست. برای تضعیف رویکرد فوق، بر اساس برخی از مبانی حقوق مالکیت فکری، چند دلیل می‌توان طرح کرد:

الف) در بند اول از ماده ۲ قانون حمایت، رساله و هر نوشته علمی مشمول حمایت این قانون تلقی شده است. به موجب ماده ۱، «به مؤلف و مصنف و هنرمند، پدیدآورنده و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون درنظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته، اثر اطلاق می‌شود». از این ماده دو امر برداشت می‌شود: یکی اینکه «اثر» از سوی قانون مورد حمایت قرار گرفته است و دوم اینکه اثر امری است که پدیدآمده باشد و مؤلف نیز کسی است که اثر را پدید آورده باشد.

ب) کنوانسیون برن حق ادعای تألیف اثر را به عنوان مصادیق حقوق فکری به رسمیت شناخته است (نک: خدمتگزار، ۱۳۹۰: ۲۲۰-۲۱۵). سه مصداق از حقوق فکری مؤلف عبارت‌اند از حق انتشار (افشای) اثر و حق حرمت نام یا حق ولایت (حق پدری) بر اثر و حق تمامیت یا حرمت اثر (امینی‌نژاد و صفایی، ۱۳۹۶: ۳۱). حق انتشار یا حق افشای اثر، بدان معنا است که تنها خالق اثر می‌تواند برای اولین بار در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر خویش تصمیم بگیرد (امینی-نژاد و صفایی، ۱۳۹۶: ۳۴). می‌توان این سؤال را مطرح کرد که دانشجو یا استاد، کدام یک، حق دارند که از انتشار اثر خودداری کنند؟ اگر دانشجو از نگارش پارسا انصراف دهد، آیا استاد



می‌تواند او را مجبور کند که مجموع نوشته‌های خود را در اختیار استاد برای انتشار قرار دهد؟ حق حرمت نام بدین معنا است که تنها خالق اثر حق دارد نام خود را بر اثر خویش نهد و کسی حق ندارد اثر شخص دیگر را به نام خود منتشر کند. نقض این حق تحت عنوان سرقت ادبی شناخته می‌شود. بر این اساس، بدیهی است که استاد نمی‌تواند تقاضا کند نام او بر روی پارسایی که دانشجو به نگارش درآورده ثبت گردد و خود را به عنوان مؤلف معرفی کند. حق حرمت اثر هم مشتمل بر دو جنبه ایجابی و سلبی است؛ بدین معنا که تنها پدیدآورنده اثر حق اصلاح و تغییر اثر خویش را دارد و کسی نمی‌تواند بدون موافقت وی در آثار او تغییر یا تحریف ایجاد کند (امینی‌نژاد و صفایی، ۱۳۹۶: ۳۵). باز هم می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا استاد حق اصلاح یا تغییر در پارسا را دارد؟

ج) نظام کپی‌رایت از ایده‌ها محافظت نمی‌کند، زیرا هدف آن محدود کردن جریان آزاد اندیشه‌ها نیست. در ایالات متحده، به موجب ماده ۱۰۲ ب قانون کپی‌رایت، صرفاً از بیان خلاقانه ایده‌ها مانند شیوه خاص بیان یک ایده توسط خالق اثر و نه خود ایده‌ها، روش‌ها، مفاهیم یا اکتشافات، حمایت می‌شود (McJohn, 2019: 81). کپی‌رایت نیاز به بیان^۵ دارد که در آن خلاقیت و پدیدآورندگی^۶ وجود داشته باشد. در انگلستان نیز، قوانین کپی‌رایت از اصالت ایده زیربنایی یک اثر حمایت نمی‌کند، بلکه حمایت بر روی شکلی که آن ایده بیان شده متمرکز است، البته در صورتی که دارای اصالت باشد. در انتخاب واژگان، توالی و ترکیب آن‌ها است که نویسنده می‌تواند خلاقیت خود را به شیوه‌ای اصیل نشان دهد و به نتیجه‌ای دست یابد که یک خلاقیت فکری است (Davis, 2012: 29-30). مطابق با بند ۲-۱۶۴ دست‌نامه وایپو، قانون کپی‌رایت، نه از خود ایده‌ها، بلکه تنها از شکل بیان ایده‌ها محافظت می‌کند. خلاقیتی که کپی‌رایت از آن حمایت می‌کند، از جمله خلاقیت در انتخاب و چینش کلمات^۷ است (Wipo Intellectual Property Handbook: art. 2.164). بدین ترتیب، نویسنده یک اثر کسی است که آن را خلق کرده است

5. Expression

6. Authorship

7. Choice and Arrangement of Words



(Howell & Farrand, 2017: 21). آنچه که اهمیت دارد، بیان ایده یا همان چیزی است که نگارش یافته و شکل گرفته است. مشارکت باید بیش از ابراز ایده صرف باشد؛ صرف آموزش، راهنمایی و ارائه پیشنهادات و توصیه‌ها هر چقدر هم مفید باشد، منجر به مشارکت در اثر نمی‌شود (ساورایی، ۱۴۰۴: ۶۴).

در پارساها، باید پذیرفت که نگارش با دانشجو است و انتخاب کلمات، چینش آن‌ها و توالی و ترکیب کلمات، همه و همه، بر عهده دانشجو است. نکته دیگر این است که حتی شباهت نوشته و کار دانشجو با آثار دیگر، او را از حق مالکیت فکری محروم نمی‌کند. برای اینکه اثری واجد شرایط حمایت کپی‌رایت باشد باید اصیل باشد، یعنی دارای حداقل میزانی از خلاقیت باشد (Bouchoux, 2013: 193; Llewelyn & Aplin, 2019: 11-006 - 11-008). با وجود این، اصالت را نباید با نوآوری یا ارزش اشتباه گرفت (امینی‌نژاد و صفایی، ۱۳۹۶: ۳۰). بدین ترتیب می‌توان گفت که در هر قسمتی از پیشنهاد، پارسا و یا دستاوردهای پژوهشی آن که اساتید راهنما و مشاور در نگارش و بیان مطلب نقش داشته‌اند و بیان عینی ایده قابل انتساب به آنان است، می‌توان آن‌ها را نیز مؤلف قلمداد کرد و برای آن‌ها حقوق مالکیت فکری قائل شد. صرف طرح ایده یا چالش تحقیق، یا راهنمایی در نگارش پیشنهاد و یا نظارت بر فرآیند انجام پارسا، نمی‌تواند برای استاد حق مؤلف ایجاد کند. با وجود این، در باب ایده، اساتید از جهت رعایت اخلاق پژوهش و جلوگیری از سرقت علمی^۸ مورد حمایت قرار گرفته‌اند (نک: شاکری، ۱۳۹۰: ۶۶۰؛ همچنین برای تمایز میان حقوق مالکیت فکری و سرقت علمی، نک: همان: ۶۶۵ به بعد).

د) همکاری در فرآیند انجام پارسا و نظارت بر آن، در زمره تعهدات و تکالیف سازمانی استاد است که در قبال آن حق الزحمه دریافت می‌کند. از این گذشته، در عمل، نقش اساتید در پارساها همیشه یکسان نیست و برخی نظارتی کامل بر انجام کار دارند و برخی دیگر در فرآیند پارسا کمترین مداخله را دارند، درحالی‌که مقررات وزارت علوم و دانشگاه آزاد برای همه اساتید حقوق

۸. «سرقت علمی شامل اقتباس نزدیک افکار و الفاظ نویسنده دیگر، تناظر یک به یک در بیان اندیشه‌ها و شباهت‌های ساختاری در نوشتار یا انتساب ایده‌ها، نتیجه‌ها یا کلمه‌های دیگران به خود، بدون ارجاع مناسب است». نک: کمیته اخلاق پژوهش وزارت علوم، ۱۳۹۰: ۳۴.



یکسانی را مقرر نموده است. ممکن است همکاری اساتید شامل مشارکت در نوشتن بخشی از پارسا یا متضمن نوعی ویراستاری باشد که بیان استاد را در پارسا منعکس می‌کند، به‌طوری‌که همکاری استاد جلوه‌ای از مشارکت مؤثر در خلق اثر باشد. در این صورت، می‌توان برای استاد نیز حقوق مالکیت فکری قائل شد.

ه) استدلال دیگر استناد به مجموعه مقرراتی است که به نگارش و دفاع از پارساها اختصاص دارد. علاوه بر اینکه مطابق با ماده ۴۶ آیین‌نامه، دانشجوی دکتری برای تکمیل تحقیقات خود، می‌تواند تقاضای فرصت مطالعاتی نماید، مطابق با ماده ۳۵ و ۴۷ آیین‌نامه، این دانشجو است که از پایان‌نامه یا رساله خود دفاع می‌کند و اساتید راهنما و مشاور در زمره هیأت داوران محسوب می‌شوند، امری که در بند ۲-۳ بخش‌نامه جامع پژوهشی دانشگاه آزاد، به‌صراحت قید شده است. از این گذشته، تکمیل فرآیند پژوهشی مربوط به رساله و نیل به دستاوردهای پژوهشی لازم، بعد از تصویب پیشنهاد، مطابق با بند ۳-۳ همین بخش‌نامه بر عهده دانشجو است. ضمن اینکه در هر دو سند، مسئولیت رفع ایرادات مطرح‌شده توسط هیأت داوران بر عهده دانشجو نهاده شده است.

استدلال‌های فوق، مؤید این نکته نیز است که حقوق مالکیت فکری مقاله مستخرج از پارسا هم متعلق به دانشجو است و دانشجو باید تنها نویسنده مقاله تلقی گردد. منظور از مقاله مستخرج، مقاله‌ای است که منعکس‌کننده بیان ارائه‌شده در پارسا (جملات و چینش کلمات) با لحاظ ضرورت تخلیص و تغییرات لازم جهت رعایت ضوابط چاپ مقاله از سوی دانشجو است. با وجود این، اگر اساتید راهنما و مشاور بر اساس مطالعات علمی مستقل و تجربیات خود در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند، به‌طوری‌که مقاله با همکاری دانشجو و استاد نگارش یافته است و اثری مشترک خلق شده که در نگارش اثر، نقش هر یک از استاد و دانشجو قابل‌تمیز نیست، باید مقاله مورد نظر را مقاله‌ای مستقل از پارسا و نه مستخرج از آن دانست. همان‌طور که بیان شد، مقاله مستخرج، صرفاً، بر اساس متن پارسا و با اتکال به آن و توسط دانشجو نگارش یافته است. این دیدگاه، امکان تعیین ترتیب نویسندگان و نویسنده مسئول (از حیث محتوا و نقش تألیفی و نه مسئول مکاتبات) را بر اساس میزان مشارکت واقعی فراهم می‌کند و انعطاف‌پذیری بیشتری



نسبت به مقررات آمره وزارت علوم و دانشگاه‌های متبوع و دانشگاه آزاد دارد.

۴. حق مالکیت فکری پارساها و دستاوردهای پژوهشی آن در حقوق تطبیقی

در این بخش، حق مالکیت فکری پارساها در نظام‌های دانشگاهی کشورهای آلمان، انگلیس، کانادا و ایالات متحده مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) در آلمان، مقالات و پایان‌نامه‌های دانشجویی معمولاً اثر فکری مشمول کپی‌رایت محسوب می‌شوند و حقوق مادی و معنوی آن‌ها متعلق به دانشجو است. حتی اگر موضوع توسط استاد پیشنهاد شده باشد، استفاده از آن‌ها بدون اجازه دانشجو ممنوع است (Copyright in Academic Work: 18). در مورد آثار دانشجویان دکتری، ممکن است «حق مؤلف در استخدام» اعمال شود و به کارفرما اجازه استفاده از اثر بدهد (Copyright in Academic Work: 19). ایده‌ها و حقایق تنها زمانی مشمول کپی‌رایت می‌شوند که به نتیجه پژوهشی مشخص تبدیل شوند (Copyright in Academic Work: 24).^۹

ب) در انگلستان، طبق بیانیه حقوق مالکیت فکری دانشگاه کمبریج، حقوق مؤلف پایان‌نامه، غالباً، متعلق به دانشجو است مگر در مواردی مانند حمایت مالی نهادها یا همکاری پژوهشی مشترک که ممکن است مالکیت به نهاد حامی یا دانشگاه تعلق گیرد که در این موارد انعقاد قرارداد می‌تواند تکلیف مالکیت فکری حاصل پژوهش را مشخص نماید (نک: ساورایی، ۱۴۰۴: ۸۳). در مواردی که پارسا حاصل همکاری پژوهشی با افراد دیگر باشد و مالکیت فکری به صورت مشترک یا وابسته ایجاد شده باشد، ممکن است دانشجو ملزم به واگذاری حقوق مالکیت به دانشگاه گردد یا مکلف به انتشار عمومی نتایج پژوهش بدون محدودیت شود.^{۱۰} راهنمای دانشگاه اسکس نیز اصل را بر مالکیت دانشجو قرار داده اما استثنائات مشابهی پیش‌بینی کرده است. واگذاری پایان‌نامه به دانشگاه برای بایگانی و دسترسی آزاد، مالکیت فکری را منتقل نمی‌کند و

9. Federal Ministry of Education and Research, Copyright in Academic Work, An Overview for Research, Teaching and Libraries, pp. 18-19. Available at: https://www.bmfr.bund.de/SharedDocs/Publikationen/DE/FS/31580_Urheberrecht_in_der_Wissenschaft_en.pdf?__blob=publicationFile&v=5

10. <https://www.openaccess.cam.ac.uk/theses/who-owns-copyright-your-thesis>



حتی دلالت بر انحصار مالکیت دانشجو دارد.^{۱۱}

ج) در کانادا، حقوق مالکیت فکری پارساها به سه عامل اصلی بستگی دارد: سیاست‌های دانشگاه یا مؤسسه محل تحصیل، نقش دانشجو در پروژه تحقیقاتی و سیاست‌های نهاد تأمین‌کننده بودجه و همچنین توافقات و عرف‌های پژوهشی نیز مؤثر هستند (A Guide to Intellectual Property for Graduate Students and Postdoctoral Scholars: 3).^{۱۲} بر این اساس، خالق اثر مالک آن است، حتی اگر ایده متعلق به شخص دیگری باشد (A Guide to Intellectual Property for Graduate Students and Postdoctoral Scholars: 6). در علوم انسانی و اجتماعی، استاد راهنما بیشتر نقش مشاور و نه همکار را دارد و مالکیت نتایج پژوهش عمدتاً متعلق به دانشجو است، اما در علوم فیزیکی و زیستی، دانشجو به گروه تحقیقاتی می‌پیوندد و مالکیت فکری به‌طور گروهی و با تصمیم استاد راهنما در خصوص نویسندگی مشترک تعیین می‌شود (A Guide to Intellectual Property for Graduate Students and Postdoctoral Scholars: 15). نویسندگی مشترک زمانی پذیرفته می‌شود که فرد در حداقل دو مورد از مراحل اصلی تحقیق مانند طراحی، اجرا، تحلیل داده‌ها یا نگارش مشارکت داشته باشد (A Guide to Intellectual Property for Graduate Students and Postdoctoral Scholars: 6).

د) در ایالات متحده، مالکیت آثار دانشجو موضوعی متغیر و وابسته به دانشگاه و شرایط خاص است. به طور معمول، دانشجو مالک کپی‌رایت آثار خود است، اما دانشگاه ممکن است بر آثاری که با استفاده از منابع یا امکانات دانشگاهی تولید شده‌اند، ادعای مالکیت کند (Olsen, 2025). به عبارت دیگر، ممکن است دانشگاه‌ها نیز مدعی مالکیت پایان‌نامه‌هایی شوند که با استفاده عمده از منابع دانشگاه^{۱۳} تدوین شده باشد که این مسئله بیشتر جنبه اقتصادی دارد. از سوی دیگر، ممکن است دانشگاه منفعتی در نشر پایان‌نامه از جهت تقویت وجهه عمومی دانشگاه

11. Guidelines on the Ownership of Intellectual Property Rights in Students' Work

12. Canadian Association for Graduate Studies, A Guide to Intellectual Property for Graduate Students and Postdoctoral Scholars, available at: https://cags.ca/documents/publications/working/Guide_Intellectual_Property.pdf

13. significant use of university resources



و یا به جهات خیر عمومی داشته باشد (Kearney, 2014: 262؛ در مورد وضعیت مالکیت آثار دانشگاهی در آمریکا، نک: صادقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۲ به بعد).

۵. دیوان عدالت اداری و حق مالکیت فکری پارسا و دستاوردهای پژوهشی آن

نگاهی به رویه دیوان عدالت اداری در پاسخ به شکایات دانشجویان از مقررات دانشگاه‌ها و وزارت علوم، حاکی از استدلال و رویه مستمری است که در آن دانشجو را نویسنده مسئول (یعنی مؤلف) مقاله مستخرج از رساله و مالک فکری اثر قلمداد نموده است. از نظر دیوان، سمت راهنما بودن استاد منجر به مالکیت فکری وی و مسئولیت وی نسبت به اثر دانشجو نمی‌گردد. برای نمونه، به موجب یکی از آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، «مستفاد از ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ با اصلاحات بعدی»، مقاله علمی مستخرج از رساله اثر حقوقی مستقلی است که پدیدآورنده آن دانشجو است و وی مالک فکری آن محسوب می‌شود و استاد راهنما صرفاً وظیفه نظارت بر آن را برعهده دارد. به موجب ماده ۳۴ آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی کاردانی/کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی) مصوب جلسه شماره ۸۸۹ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی، «دانشجو پس از تدوین رساله و مشروط بر تأیید استاد/استادان راهنما از حداقل کفایت دستاوردهای علمی (چاپ یک مقاله علمی - پژوهشی معتبر و مستخرج از رساله و یا ثبت پتنت خارجی)، مجاز است در حضور هیأت داوران از رساله خود دفاع کند». ماده ۳۴ آیین‌نامه پیش‌گفته در مقام بیان نحوه دفاع از رساله دکتری و شرایط آن است و سکوت این ماده در خصوص اینکه چه کسی نویسنده مسئول باشد، متضمن جواز برای نویسنده مسئول تلقی کردن استاد راهنما نیست و باید این موضوع را در پرتو اصول کلی حقوق عمومی از قبیل اصل عدم صلاحیت و اصل برابری و منع تبعیض تفسیر کرد و بدیهی است که اصل بر عدم صلاحیت استاد راهنما برای نویسنده مسئول بودن در مقاله بوده و خلاف آن نیاز به تصریح دارد. بنا به مراتب فوق، آن قسمت از تبصره ۲ ماده ۱۸ شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه دوره دکتری تخصصی برای ورودی‌های ۱۳۹۷ به بعد مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۵ شورای دانشگاه علامه طباطبائی



که تنها مقالاتی را برای اخذ مجوز دفاع قابل قبول اعلام کرده که استاد راهنما به عنوان نویسنده مسئول مقاله معرفی شده باشد، خارج از حدود اختیار مرجع تصویب‌کننده آن بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، ابطال می‌شود.^{۱۴}

در پرونده شکایت علیه دانشگاه شهید بهشتی، دیوان بیان داشته است: «برمبنای ماده ۱۹ آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی ۱۳۹۴ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی مقرر شده است که «دانشجو پس از تدوین رساله به شرط کفایت دستاوردهای علمی و چاپ یک مقاله علمی - پژوهشی مستخرج از رساله، با تأیید استاد/استادان راهنما مجاز است در حضور هیأت داوران از رساله خود دفاع کند» و مستنبط از ماده مزبور این است که مقاله مستخرج از رساله توسط دانشجو نوشته شده و استاد/استادان راهنما صرفاً وظیفه نظارت و راهنمایی جهت اصلاح آن را برعهده دارند. ثانیاً...، آن بخش از مقررات مورد اعتراض که متضمن درج نام یکی از اعضای تیم راهنمایی رساله به عنوان نویسنده مسئول مقاله بوده، به توسعه دامنه شمول حکم مقرر در ماده ۱۹ آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی منجر شده است. ثالثاً، ماده ۱۹ آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی، در مقام بیان نحوه دفاع از رساله دکتری و شرایط آن است و سکوت این ماده در خصوص اینکه چه کسی نویسنده مسئول باشد، بیانگر جواز نویسنده مسئول تلقی کردن استاد راهنما نیست و باید این موضوع را در پرتو اصل عدم صلاحیت و اصل برابری و منع تبعیض تفسیر کرد و بدیهی است که اصل بر عدم صلاحیت استاد راهنما برای نویسنده مسئول بودن در مقاله است و خلاف آن نیاز به تصریح دارد. رابعاً: مستفاد از ماده ۳ قانون حمایت...، مقاله علمی مستخرج از رساله، اثر حقوقی مستقلی است که پدیدآورنده آن دانشجو است و او مالک فکری آن محسوب می‌شود و استاد راهنما صرفاً وظیفه نظارت بر آن را برعهده دارد. خامساً، قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی...، در مقام بیان عمل مجرمانه تقلب در تهیه آثار علمی و مجازات آن بوده و از این قانون، الزام دانشجویان به

۱۴. دادنامه شماره ۱۶۲۴۲۴۳۰۰۱۶۲۳۱۳۹۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۷/۱۰، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال قسمتی از تبصره ۱ ماده ۱۴ و تبصره ۲ ماده ۱۸ از شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه دوره دکتری تخصصی برای ورودی‌های سال ۱۳۹۷ به بعد مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۵ شورای دانشگاه علامه طباطبائی.



ذکر نام یکی از اعضای تیم راهنمایی رساله به عنوان نویسنده مسئول در مقالات علمی - پژوهشی مستخرج از رساله قابل استنتاج نیست. با توجه به دلایل فوق، ماده ۵ دستورالعمل اعلام کفایت دستاوردهای پژوهشی دانشجویان دکتری که متضمن تعیین یکی از اعضای تیم راهنمایی رساله به عنوان نویسنده مسئول است، خارج از حدود اختیار بوده و...، از تاریخ تصویب ابطال می‌شود».^{۱۵}

نگاهی به استدلال مشابه دیوان عدالت در هر دو دادنامه حاکی از آن است که دیوان دانشجو را مسئول پارسا و مقاله مستخرج در معنای مؤلف اصلی دانسته است و نویسنده مسئول قلمداد کردن استاد راهنما در مقاله مستخرج از رساله را مردود می‌شمارد. البته در این آراء، در رابطه با درج نام اساتید و دانشگاه در مقاله مستخرج اظهارنظری نشده است. با وجود این، استدلال دیوان، از حیث مبانی حقوق مالکیت فکری، بر مؤلف قلمداد کردن دانشجو استوار است. اینکه دانشجو پدیدآورنده اثر است و به همین جهت، مالک فکری پارسا و مقاله مستخرج محسوب می‌شود. امری که همچنان شاهد رویه خلاف آن در برخی دانشگاه‌های ایران هستیم (مانند ماده ۶ آیین‌نامه مالکیت فکری و انتقال فناوری دانشگاه گیلان ۱۴۰۲).^{۱۶}

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با بررسی فلسفه و مبانی حقوق مالکیت فکری، مقررات دانشگاهی برخی کشورها و آرای دیوان عدالت اداری، این نوشتار تأکید می‌کند که مالکیت فکری پارسا متعلق به دانشجو است، زیرا او پدیدآورنده و نگارنده اثر است و ایده را تجسم مادی می‌بخشد. نقش استادان در راهنمایی و اصلاح پارسا، اثر را به اثر مشترک تبدیل نمی‌کند، مگر در تحقیقات تجربی که استاد در طراحی، جمع‌آوری داده‌ها یا پروژه‌های بزرگ‌تر نقش اساسی داشته باشد. در حوزه تحقیقات غیرتجربی

۱۵. دادنامه شماره ۱۴۰۱۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۶۰۹ مورخ ۱۴۰۱/۳/۱۷، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال دستورالعمل دانشگاه شهید بهشتی به شماره ۹۹۰۰۲۴۶ در سال ۱۴۰۱ در بیان شرط کفایت از دستاوردهای علمی مستخرج از رساله.

۱۶. به موجب تبصره ۲ ماده ۶ آیین‌نامه مذکور، سهم استادان راهنما و مشاور حداکثر ۸۰ درصد (حداقل ۵۱ درصد) و سهم دانشجو حداکثر ۴۹ درصد (حداقل ۲۰ درصد) می‌باشد.



نیز، در صورت مشارکت اساتید در نگارش یا ویراستاری علمی به نحوی که بتوان بیان و نوشته را منتسب به استاد قلمداد کرد، اساتید واجد حقوق مالکیت فکری خواهند بود. همچنین در صورت استفاده از منابع دانشگاه یا تأمین مالی و وجود رابطه استخدامی، مالکیت می‌تواند برای دانشگاه یا نهاد حامی تعریف شود.

دستاوردهای پژوهشی پارسا نیز از آن دانشجو است، به شرط آنکه نگارش آن را دانشجو بر عهده داشته باشد. با وجود این، اگر اساتید راهنما و مشاور در نگارش مقاله همکاری و مشارکت داشته باشند و علم، تجربه و مطالعات مستقل خود را در میان گذارند، مقاله مشترک خواهد بود و عنوان مقاله مستخرج از پارسا بر این نوشته صدق نمی‌کند. در واقع، چنین نوشتاری، حاصل آمیختن و ترکیب دستاوردهای پژوهشی پارسا و دستاوردهای پژوهشی مستقل اساتید است. در این نوع آثار پژوهشی، این سهم مشارکت هر فرد است که جایگاه نویسنده را به عنوان نویسنده اول یا دوم و... مشخص می‌کند.

نتیجه پذیرش این گزاره‌ها آن است که ایجاد مسئولیت برای استاد در قبال محتوای پارسا و یا دستاوردهای پژوهشی آن، به جز در مسئولیت ناشی از نظارت و انجام وظایف معمول دانشگاهی، قابل دفاع نیست. همچنین در صورت انصراف استاد راهنما یا قطع همکاری او با دانشگاه، حقوق مالکیت فکری بر اساس میزان کاری که انجام شده است مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، اگر استاد در نگارش پیشنهاد (که مطابق با ماده ۳ دستورالعمل، اثری پژوهشی محسوب می‌شود) مشارکت داشته، حق دارد مانع استفاده دیگران از پیشنهاد، بر اساس حقوق مالکیت فکری، شود. همچنین اگر ایده پژوهش و یا مواردی مانند عنوان یا طرح چالش و سؤالات و فرضیه‌های تحقیق از آن اساتید است، از باب رعایت اخلاق پژوهش و ممانعت از سرقت علمی، دانشجو حق ادامه پژوهش مزبور را بدون رضایت استاد راهنما ندارد. بدین ترتیب، استاد حق دارد که به صورت مستقل، در مورد چالش تحقیق، پژوهش کند و ایده و حاصل فکری خود را منتشر نماید.

از این گذشته، حتی بعد از تصویب پیشنهاد، در صورت انصراف دانشجو، حق مالکیت فکری در خصوص عنوان، موضوع و دیگر اجزاء پیشنهاد، به جز متنی که نگارش یافته، برای او



متصور نیست، هرچند ایده او در قلمرو اخلاق پژوهش و حقوق رقابت منصفانه محترم است. به عبارت دیگر، حق مؤلف به نسخه نهایی ایده و نه خود ایده می‌رسد. در نتیجه، در صورت قطع همکاری پدیدآورندگان با دانشگاه، حقوق مالکیت فکری آنان اعم از استاد و دانشجو، در صورت تحقق، پابرجا خواهد بود؛ آنگونه که در ماده ۶-۸ آیین‌نامه مالکیت فکری و انتقال فناوری دانشگاه گیلان نیز پیش‌بینی شده است. همچنین، در صورت اثبات عدم استفاده از امکانات دانشگاه، ادعای مالکیت فکری دانشگاه ساقط می‌شود، امری که در میان دانشگاه‌های ایران، در ماده ۳ آیین‌نامه حقوق مالکیت فکری و معنوی دانشگاه گلستان و مواد ۷-۳ و ۱-۵ آیین‌نامه مالکیت فکری و انتقال فناوری دانشگاه گیلان ۱۴۰۲ هم تصریح شده است.

به این ترتیب، آن دسته از مقررات پژوهشی که دانشجو را ملزم به درج نام اساتید در مقالات مستخرج از پارسا می‌نمایند، قابل دفاع نیستند. همچنین مقرراتی که مقالات مشترک میان اساتید و دانشجو را مقاله مستخرج از پارسا تلقی و درج نام دانشجو را به عنوان نویسنده اول الزامی می‌دانند، با مبانی مالکیت فکری در تعارض هستند. از این گذشته، دانشگاه‌هایی که بدون در اختیار نهادن هرگونه امکانات و تجهیزاتی، دانشجو را ملزم به واگذاری حقوق مالکیت فکری به دانشگاه می‌نمایند، نوعی داراشدن بلاجهت را دامن می‌زنند.

به طور خلاصه، وضعیت حقوق مالکیت فکری پارساها و دستاوردهای پژوهشی حاصل از آن و همچنین مقالاتی که اساتید نقش اصلی را در نگارش آن‌ها دارند، در نظام آموزش عالی ایران عادلانه نیست و با فلسفه حمایت از مالکیت فکری و مبانی بنیادین آن در تعارض است. به این جهت، پیشنهاد می‌شود که بر اساس فلسفه مالکیت فکری و مفاهیم بنیادین آن و نیز با استعانت از تجربه نظام‌های آموزشی کشورهای دیگر، حقوق مالکیت فکری پارساها بازتعریف شود. این امر می‌تواند به عادلانه شدن رابطه میان استاد و دانشجو منجر و مانع سوءاستفاده‌های احتمالی، چه از جانب دانشجو و چه از جانب استاد، گردد.



۷. منابع

۱-۷) کتب و مقالات فارسی

۱. امینی‌نژاد، علی و سید حسین صفایی (۱۳۹۶). «تحلیل فقهی و حقوقی موانع امکان نقل و انتقال حق معنوی مؤلف»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۴۷، صص ۲۷-۴۸.
۲. بادینی، حسن و جواد شیخ‌سیاه (۱۳۸۹). «از حق مالکیت تا حقوق مالکیت: بررسی تطبیقی سیر تحول مفهوم مالکیت»، مجله حقوق تطبیقی، ۱(۱)، صص ۱-۲۲.
۳. بیگزاده، صفر و بهروز رسولی (۱۳۹۵). «حق مالکیت بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی از منظر حقوق مالکیت فکری (مطالعه تطبیقی)»، مدیریت اطلاعات، ۲(۱)، صص ۱۴۴-۱۶۸.
۴. جعفری‌تبار، حسن (۱۳۹۳). ملک معنی در کنار: در فلسفه حقوق مالکیت فکری، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۵. خدمتگزار، محسن (۱۳۹۰). فلسفه مالکیت فکری، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
۶. ساورایی، پرویز (۱۴۰۴). «چالش‌های ناشی از مالکیت اثر مشترک در نرم‌افزار و شیوه‌های قراردادی پیشگیری از آن‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۹(۲)، صص ۵۸-۸۷.
۷. شاکری، زهرا (۱۳۹۸). «سرقت علمی و ضمانت‌اجراهای مقابله با آن؛ با تأکیدی بر مسئله تعامل سرقت علمی و نظام حقوق مالکیت فکری»، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۹(۴)، صص ۶۵۵-۶۷۵.
۸. صادقی، محمود؛ رضایی، ابوالفضل و مرتضی شهبازی‌نیا (۱۳۹۰). «بررسی حقوقی مالکیت آثار دانشگاهی»، سیاست علم و فناوری، ۴(۲)، صص ۴۱-۵۷.
۹. صفایی، سید حسین و سید احسان حسینی (۱۴۰۲). حقوق مدنی: اموال و اشخاص، جلد اول، تهران: میزان، چاپ سی‌وچهارم.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، چاپ چهل‌وسوم.
۱۱. کمیته اخلاق پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۰). منشور و موازین اخلاق پژوهش، دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ اول.
۱۲. محمدکریمی، محمدجواد و پژمان محمدی (۱۴۰۴). «قراردادپذیری حقوق معنوی مؤلف



در ایران و اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۹(۲)، صص ۱۴۷-۱۸۶.
۱۳. میرحسینی، سید حسن (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر مالکیت معنوی، میزان: تهران، چاپ هفتم.

۲-۷) قوانین و مقررات داخلی

۱۴. آیین‌نامه یکپارچه مقررات آموزشی دوره‌های تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی مصوب ۱۴۰۲/۴/۲۵.
۱۵. آیین‌نامه حقوق مالکیت فکری و معنوی دانشگاه گلستان، ۱۳۹۴.
۱۶. آیین‌نامه مالکیت فکری و انتقال فناوری دانشگاه گیلان، ۱۴۰۲.
۱۷. ابلاغیه الگوی آدرس‌دهی و درج وابستگی سازمانی در مقالات دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۹.
۱۸. بخش‌نامه جامع پژوهشی پایان‌نامه‌ها و رساله دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های غیرپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مصوب ۱۴۰۳/۵/۱۰.
۱۹. دستورالعمل اجرای پیشگیری و بررسی تخلفات علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۱۴۰۰/۲/۷.
۲۰. دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۳ ابلاغی ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ وزارت علوم.
۲۱. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ با اصلاحات ۱۳۸۹.

۳-۷) دادنامه‌های دیوان عدالت اداری

۲۲. دادنامه شماره ۱۴۰۱۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۶۰۹ مورخ ۱۴۰۱/۳/۱۷، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال دستورالعمل دانشگاه شهید بهشتی در بیان شرط کفایت از دستاوردهای علمی مستخرج از رساله.
۲۳. دادنامه شماره ۱۴۰۳۳۱۳۹۰۰۱۶۲۴۲۴۳ مورخ ۱۴۰۳/۷/۱۰، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال قسمتی از تبصره ۱ ماده ۱۴ و تبصره ۲ ماده ۱۸ از شیوه نامه اجرایی آیین



نامه دوره دکتری تخصصی برای ورودی های سال ۱۳۹۷ به بعد مصوب ۵/۱۰/۱۳۹۷
شورای دانشگاه علامه طباطبائی.

۴-۷ کتب و مقالات انگلیسی

24. Balganes, Shyamkrishna (2013). "Alienability and Copyright Law, in Concepts of Property in Intellectual Property law", in *Concepts of Property in Intellectual Property law*, edited by Helena Howe & Jonathan Griffiths, Cambridge University Press, pp. 161-182.
25. Breakey, Hugh (2013). "Properties of Copyright: Exclusion, Exclusivity, Non-interference and Authority", in *Concepts of Property in Intellectual Property law*, edited by Helena Howe & Jonathan Griffiths, Cambridge University Press, pp. 137-160.
26. Bouchoux, Deborah (2013). *Intellectual Property: The Law Trademarks, Copyrights, Patents and Trade Secrets*, New York: Delmar Cengage Learning, 4th edition.
27. Canadian Association for Graduate Studies, A Guide to Intellectual Property for Graduate Students and Postdoctoral Scholars, available at: https://cags.ca/documents/publications/working/Guide_Intellectual_Property.pdf
28. Federal Ministry of Education and Research, Copyright in Academic Work, An Overview for Research, Teaching and Libraries Available at: https://www.bmfr.bund.de/SharedDocs/Publikationen/DE/FS/31580_Urheberrecht_in_der_Wissenschaft_en.pdf?__blob=publicationFile&v=5
29. Howell, Claire & Farrand, Benjamin (2017). *Intellectual Property Law*, Pearson (U.K.), 5th edition.
30. Kearney, Margaret H., (2014). "Who Owns a Dissertation and Why Does It Matter?", *Research in Nursing and Health*, 37(4), pp. 261-264.
31. Landes, William & Posner, Richard (1989). "An Economic Analysis of Copyright", *The Journal of Legal studies*, 18(2), pp. 325-363.
32. Llewelyn, David & Aplin, Tanya (2019). *Intellectual Property: Patents, Copyrights, Trade Marks and Allied Rights*, London: Sweet & Maxwell, 9th edition.



33. McJohn, Stephen M. (2019). *Intellectual Property: Examples and Explanations*, New York: Wolters Kluwer, 6th edition.
34. Moore, Adam & Himma, Ken (2022). "Intellectual Property", in Stanford Encyclopedia of Philosophy, available at: <https://plato.stanford.edu/entries/intellectual-property/#JustCrit>
35. Posner, Richard (2005). "Intellectual Property: A Law and Economics Approach", *The Journal of economic Perspectives*, 19(2), pp. 57-73.
36. Olsen, Douglas (2025). "Who Owns Student Work?", University Vs. Student Rights, available at: <https://shunstudent.com/article/do-universities-own-students-work>

(۵-۷) سایت‌های دانشگاهی خارجی مورد استناد

37. <https://www.openaccess.cam.ac.uk/theses/who-owns-copyright-your-thesis>
38. Guidelines on the Ownership of Intellectual Property Rights in Students' Work
39. <https://www.tue.nl/en/our-university/library/how-to-use-the-library/regulations/copyright/copyright-for-authors/graduation-works-and-copyright>
40. <https://uvapolicy.virginia.edu/policy/RES-001>
41. https://research.unimelb.edu.au/_data/assets/pdf_file/0003/4716903/Who-owns-the-IP-I-create_IP-Guide_July2023.pdf

[In Persian]:

42. Amininezhad, A. & Safai, S.H. (2017). "Legal and Jurisprudential Analysis of the Barriers in Transferring Author's Moral Rights", *Journal of Islamic Law & Jurisprudence Research*, 47(13), doi: 10.22034/ijrj.2017.530232
43. Badini, H. & Sheikh, Javad. (2010). "From "Right of Property" to "Property Rights": A Comparative Review of the Evolution of the Notion of Property Rights", 1(1), doi: 10.22059/jcl.2010.80783
44. Beigzadeh, S. & Rasouli, B. (2015). "Ownership Right to Student's Theses or Dissertations in Terms of Intellectual Property Rights (A Comparative Study)",



- Information Management*, 2(3-4).
45. Jafaritabar, H. (2014), *Philosophy of Intellectual Property Rights*, Tehran: Entesharco.
46. Katouzian, A.N (2014). *An Elementary Course of Civil Law: Property and Ownership*, Tehran: Mizan.
47. Khedmatgozar, M. (2011). *Philosophy of Intellectual Property*, Tehran: Mizan.
48. Mirhosseini, S.H. (2018). *An Introduction to Intellectual Property Law*, Tehran: Mizan.
49. Mohammad Karimi, M. J. and Mohammadi, P. (2025). "Contractability of Author's Moral Rights in Iran and the European Union", *Comparative Law Researches*, 29(2), 147-186. doi: 10.48311/CLR.29.2.4
50. Sadeghi, M.; Rezaei, A. & Shahbazinia, M. (2011). "Legal Examination of the Ownership of Academic Works", *Journal of Science & Technology Policy*, 4(2), dor: 20.1001.1.20080840.1390.3.4.5.5
51. Safai S.H & Hoseini, S.A. (2023). *A Concise Introduction to Civil Law: Persons and Properties*, Tehran: Mizan
52. Savrai, P. (2025). "Challenges Caused by the Ownership of Joint Works in Software and Contractual Methods of Prevention", *Comparative Law Researches*, 29(2), 58-87. doi: 10.48311/CLR.29.2.6
53. Shakeri, Z. (2020). "Plagiarism and Sanctions against it; With an Emphasis on the Interaction Plagiarism and IP Law", *Private Law Studies Quarterly*, 49(4), doi: 10.22059/jlq.2020.272207.1007144